

دیپلوماسی پوسیده و دیپلومات بی تخصص ما

دیپلوماسی به عنوان یکی از عناصر قدرت ملی برای حفظ صلح بین المللی ، تامین و پیشبرد منافع ملی یک دولت و در نهایت رسیدن به اهداف ملی یک کشور اهمیت بارز و خاصی دارد . دیپلوماسی یک مفهوم با ارزش و کارا دارای معنای گسترده که شامل همه ابعاد سیاست خارجی است می باشد.

دیپلوماسی وظیفه دارد که اهداف خود را با توجه به قدرتی که به طور بالفعل و بالقوه برای تعقیب این اهداف در اختیار دارد ، تعیین کند. دیپلوماسی وظیفه دارد که اهداف سایر دولت ها و قدرت های بالفعل و بالقوه آنها برای تعقیب این اهداف را برآورد کند. دیپلوماسی باید تعیین نماید که این اهداف مختلف تا چه حد با یک دیگر سازگار هستند و دیپلوماسی باید ابزار مناسبی چون (دفاتر خارجی در پایتخت ، هریک از کشورها و نمایندگیهای دیپلماتیک وزارت امور خارجه هر یک از کشورها در پایتخت کشورهای خارجی ، وزارت امور خارجه که مغز متفکر سیاست خارجی است و از طریق دیپلومات ها که وظایف چون نمادین ، حقوقی و سیاسی دارند) برای تعقیب این اهداف به کار گیرد. عدم موفقیت در انجام هریک از این وظایف ، موفقیت سیاست خارجی و همراه با آن صلح جهانی را در معرض خطر قرار می دهد . دولتی که می خواهد سیاست خارجی هوشمندانه و مسالمت آمیزی را در پیش گیرد ، باید دایماً اهداف خود و اهداف سایر دولت ها را از نظر سازگاری یا عدم سازگاری آنها مقایسه کند.

حال این همه وظایف و مسوولیت ها را کارگزاران و بازیگران موفق و هوشمند در دستگاه دیپلوماسی یک کشور میتوانند به سر برسانند و اجرا کنند. بله دیپلمات ، دیپلمات به کارمند سیاسی که در یک کشور خارجی مامور است اطلاق می شود. دیپلمات ها به ترتیب ارجحیت پس از سفیر یا وزیر مختار دارای عناوین زیر می باشند:

رایزن (درجه 1 ، درجه 2 ، درجه 3) دبیر اول ، دبیر دوم ، دبیر سوم و وابسته (آتاشه) وابسته ها چنانچه کارمند سیاسی وزارت امور خارجه باشند عنوان (وابسته سیاسی) را دارند اما اگر کارمند سایر سازمان های دولتی باشند ، امکان دارد عنوان (وابسته نظامی) یا (وابسته اقتصادی) و یا هم (وابسته فرهنگی) را دارا باشند. این دسته از وابسته ها از امتیازات و مصونیت های وابسته های سیاسی بهره مند می گردند.

حال میایم به کشور ما افغانستان خیلی دور نمی رویم و گذشته های دور را نقد نمی کنیم ولی پس از سال 2001 م که افغانستان شاهد یک تحول بزرگ در تاریخ معاصر خود بود، تا امروز که حکومت به اصطلاح (وحدت ملی) که مشروعیت حقوقی ندارد و براساس یک تفاهم سیاسی به میان آمده ما نه دیپلوماسی فعال ، کارا و غیر وابسته داشتیم و داریم و نه هم دیپلومات متخصص ، هوشمند ، متعهد و فعال داشته ایم و داریم . تا هنوز ما یک سیاست خارجی مدون ، مکتوب و روشن روی کاغذ نداریم ، تا هنوز یک سیستم و ساختار قوی و کارا در دستگاه دیپلوماسی کشور ما به وجود نیامده ، همه سیستم و همه دستگاه متاثر از شوق ، نوق و سلیقه های شخصی ، حزبی ، سیاسی و قومی افراد بوده و است . تا هنوز ما این ظرفیت را پیدا نکردیم که توازن قوا بین کشور های منطقه (پاکستان و هندوستان) (ایران و عربستان) کشور های جهان (امریکا و روسیه) (چین و امریکا) را حفظ کنیم ، گاهی پاکستان را دوست

خطاب می کنیم و گاهی هندوستان را ، گاهی به دامن شرق خود را می اندازیم و گاهی هم به دامن غرب ، تا حال در سیاست خارجی خود یک تعریف مشخص و روشن از دوست و دشمن نداریم ، تا هنوز منافع ملی ما تعریف نشده است ، تا هنوز ما نتوانستیم که اهداف ملی خود را با قدرت ملی خود سازگار بسازیم و یا مقایسه کنیم ، تا هنوز معلوم نیست که اهداف ملی ما چیست و دنبال چی هستیم در سیاست خارجی خود ، اکثریت افراد که به عنوان مامورین سیاسی به کشورهای دیگر فرستاده میشوند تخصص ندارند ، تعهد ندارند و حتی با الفبا دیپلوماسی بلدیت ندارند و بر اساس علایق مذهبی ، قومی ، حزبی و زبانی استخدام به کار میشوند . حال یک کسی که از حقوق و علوم سیاسی ، روابط بین الملل ، مطالعات منطقی ، مطالعات جهانی ، حقوق بین الملل عمومی ، حقوق بین الملل جزا ، حقوق اساسی اتباع ، قانون اساسی کشور ، سازمان های بین المللی و عرف دیپلماتیک خبر نباشد چگونه سفیر و دیپلمات مقرر می شوند ، معیار گزینش مامورین سیاسی ما در دستگاه دیپلوماسی کشور ما چیست ، کی ها از اینها امتحان می گیرند ، براساس کدام اصول و قوانین ، آیا کسی که به زبان های رسمی کشور (پشتو و فارسی) توان خواندن و نوشتن را نداشته باشند ، و از الف و ب سیاست خارجی خبر نباشند چگونه در دستگاه دیپلوماسی استخدام به کار شدند و میشوند . چند فیصد از کسانی که امروز خارج از کشور ما به عنوان وزیر مختار و دیپلمات ایفای وظیفه می کنند ماستری و دکتورا در حقوق ، دیپلوماسی و روابط بین الملل دارند ، چند فیصد شان برای مدت سه سال در وزارت خارجه کار کردند مطابق قانون که حال سفیر و دیپلمات هستند ، چند فیصد شان تعهد به این کشور و مردم دارند و چند فیصد شان پس از ختم دوره ماموریت سه ساله کاری دوباره به وطن برگشت کردند ، چند فیصد شان چند کتاب نوشته کرده اند ، چند فیصد شان چقدر در مسلک خود تحقیق میدانی و کتابخانه ای انجام داده اند ، چند فیصد شان به زبان های خارجی بلدیت کامل دارند . افسوس ، افسوس و باز هم افسوس که چنین نیست .

در طول یک و نیم سال گذشته شما خود شاهد هستید که بیش از یک صد و پنجاه هزار افغان این وطن را ترک کردند و به کشورهای اروپایی و آسیایی مهاجر و پناهنده شدند ، چی مشکلاتی نیست که اینها دست و پنجه با آنها نرم می کنند مهاجرین افغان در این کشور ها ، اما کدام سفارتخانه و کدام سفیر و دیپلمات ما مشکل کدام مهاجر افغان را حل کرده تا حال ، از حقوق کدام تبعه افغان دفاع کرده تا حال ، وقتی مشکل دانشجوی افغان را در تاجکستان ، ترکیه و قزاقستان حل کرده نمی توانیم ، وقتی مشکل مهاجرین افغان را در جرمنی ، سویدن ، دنمارک ، فنلند ، انگلستان ، فرانسه ، هالند و اتریش حل کرده نمی توانند ، وقتی مشکل مهاجرین افغان در پاکستان و ایران را حل کرده نمی توانند ، وقتی تثبیت هویت کرده نمی توانند از اتباع کشوری خودشان را که به نام شان پاکستانی ها و ایرانی ها پاسپورت و برگه شناخت می گیرند ، وقتی با دولت میزبان مذاکره کرده نمی توانند ، وقتی مشکلات ویژه ، اقامت و پاسپورت کارگران افغان را در کشور های عربی حل کرده نمی توانند پس چه گفته سفیر و دیپلمات هستیم و این معاش و ده ها امتیازی دیگر را که ما می گیریم آیا حلال است یا حرام ؟ آیا دل رحم داریم ؟ آیا تعهد به مردم خود داریم ؟ آیا ما از وظایف و مسولیت های خود خبر هستیم که ما کی هستیم ، چی کاره هستیم ، برای چی آمده ایم و چی باید بکنیم ؟ یکبار شما خود قضاوت کنید که کدام یکی از این وظایف که در پایین ذکر خواهد شد و درج قانون است ، شما ها انجام داده اید ؟

وظایف یک هیئت دیپلماتیک که سفیر به حیث رییس هیئت شامل آن است

1. نمایندگی کردن از دولت فرستنده در دولت میزبان
2. حمایت منافع دولت فرستنده و اتباع آن در دولت میزبان
3. مذاکره با دولت میزبان
4. بررسی شرایط و انکشافات با وسایل قانونی در دولت میزبان
5. تقویت روابط دوستانه بین دولت فرستنده و دولت میزبان

وظایف نماینده گی دایمی

1. تضمین نمایندگی کردن از دولت فرستنده در سازمان بین المللی
2. حفظ تماس های ضروری بین دولت فرستنده و سازمان بین المللی
3. مذاکره با سازمان بین المللی یا در سازمان بین المللی
4. تحقیق کردن در فعالیت های سازمان های بین المللی و راپور دادن آن به حکومت دولت فرستنده
5. تقویت همکاری های بین المللی به دلیل تحقق اهداف و پرنسیپ های سازمان بین المللی

وظایف قنصل ها

برقراری روابط قنصلی در ابتدا ناشی از تجارت و مسافرت بازرگان به کشور های خارجی به منظور کسب اطلاعات تجاری و یافتن بازار مناسب جهت کلا های خود بود .

مطابق ماده نهم کنواسیون فوق الذکر ماموران قنصلی به چهار طبقه تقسیم می شوند.

1. سر قنصل یا جنرال قنصل
2. قنصل
3. معاون قنصل
4. نماینده قنصلی

وظایف :

1. حمایت منافع دولت فرستنده و اتباع آن
2. انکشاف مزید مناسبات تجاری ، اقتصادی ، فرهنگی و علمی بین دولت فرستنده و کشور میزبان
3. تحقیق اوضاع و انکشافات حیات تجاری ، اقتصادی ، فرهنگی ، و علمی کشور میزبان
4. کمک و مساعدت به اتباع دولت فرستنده
5. کفالت کردن به حیث اداره ثبت اسناد رسمی و مدنی
6. حفظ منافع اتباع دولت فرستنده در مورد میراث در قلمرو کشور میزبان
7. حفظ و حمایت منافع اتباع و اشخاص دیگر فاقد اهلیت کامل
8. نمایندگی کردن یا حاضر ساختن نماینده برای اتباع دولت فرستنده
9. ارسال اسناد قضایی و غیر آن

وظایف قنصلی بیشتر اداری و غیر سیاسی است

وظایف سیاسی را نیز به امر سفیر یا دولت فرستنده انجام داده میتوانند

10. اعمال حقوق کنترل و بررسی ناو های دولت فرستنده و هوا پیمای که نزد آن دولت ثبت شد

11. رساندن کمک به ناو ها ، هوا پیمای ها و راکبین آنها

حال خود قضاوت کنید که آیا این وظایف نگر شده را نمایندگان سیاسی کشور ما انجام داده اند و می دهند یا خیر؟ اگر می دادند پس این همه مشکلات و سرو صدا ها برای چی ، صدای مردم آواره و بی سرنوشت ما در کشورهای متعدد اروپایی ، آسیایی و کشور های همسایه مان را چرا کسی نمی شنود و به آن توجه نمی کنند . از این همه قراین معلوم میشود که دیپلوماسی ما پوسیده است و دیپلومات ما نه تخصص دارد و نه هم تعهد .

نویسنده : خوشحال آصفی